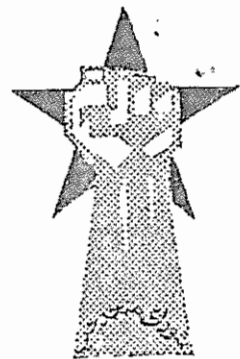


تکثیر در خارج از کشور: طرفداران شورای متحد چپ برای دموکراسی و استقلال

Postlager-Nr. 076287 A, آدرس پستی:
5600 WUPPERTAL I
WEST-GERMANY
R.V.L. حساب بانکی:
STADTSPARKASSE WUPPERTAL
KONTO-Nr. 598573
BLZ: 330 500 00

فوق العاده
دوره اختناق

شماره ۱۲ خرداد ماه ۱۳۶۱



نشریه شورای متحد چپ برای دموکراسی و استقلال

کتابخانه ایرانی
iranische Bibliothek in Hannover

اردیبهشت

پیام شورای متحد چپ برای دموکراسی و استقلال به پنجمین کنگره حزب دموکرات کردستان ایران

تهاجم و قله

هجوم در فارس

هفته اول این ماه مقارن بود با افت "پیروزیهای سپاه اسلام" و فترت در فتح و پیشروی در جبهه های جنگ علیه عراق، لاکن رژیم که دیری است آتش جنگ داخلی علیه مخالفان و تسلیح نشدگان را برافروخته، در این فرصت به چند هجوم نظامی و سیاسی در جبهه داخلی روی آورد. تشدید حملات تجاوزکارانه علیه خلق کرد از این جمله بود. هجوم دیگر نیروهای رژیم در منطقه فارس صورت گرفت. پس از "هشدار شدید امام جمعه بقیه در صفحه ۲

دست آورد عظیم انقلاب فرهنگی جمهوری

اسلامی

پسندی از فعالیتهای درخشان دیپلماسی جمهوری آخوند هادری خت گسترش انقلاب اسلامی ایران:

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران

اداره امنیه و اموال شماره ۸۹۶/۳۵ - تاریخ ۶۱/۲/۸

بسمه تعالی

بخشنامه به کلیه نمایندگی های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور

پیرو بخشنامه شماره ۳۵/۱۱/۳۸ مورخ ۶۰/۱۲/۱۳ چنانچه در ساختمانهای استیجاری امکان تصویف توالی های فرنگی به نوع

تخت ممکن نیست و یا مشکلاتی در ساختمانهای ملکی از جهت بنائی و غیره وجود دارد میتوانند از جمعبه ای به شکل ضمیمه که روی توالی

فرنگی قرار می گیرد استفاده نمایند. معاون اداری و مالی محمد عرب

همه معالک اسلامی متحد شوند تا اینکه دست ابر قدرتها را برمالک خودشان قطع کنند.

امام خمینی

شورای متحد چپ برای دموکراسی و استقلال، پیام انقلابی و مبارزه جوانه خود را به مناسبت برگزاری پنجمین کنگره حزب دموکرات کردستان ایران به رفقای کادر رهبری حزب، رفقای رزمنده پیشمرگه و همه نمایندگان انقلابی شرکت کننده در پنجمین کنگره حزب، تقدیم میدارد.

رفقای مبارز، کنگره حزب شما در شرایطی برگزار می شود که سه سال از مبارزه و مقاومت انقلابی و آزادخواهانه شما در برابر رژیم ارتجاعی و جنایتکار خمینی می گذرد.

حزب شما با انتخاب شمار "دموکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان" نشان داد که درک درست و علمی از خواستههای سیاسی و مبارزاتی خلقهای ایران، در شرایط کنونی دارد. و به همین دلیل تاکنون موفق شده اید که بخش عظیمی از خلق ستمدیده کرد را به شرکت در این مبارزه عادلانه تشویق کنید و آنان را متشکل ساخته، در جهت درستی رهبری کنید.

رهبری صحیح سیاسی و انتخاب متناسب تاکتیکها، حزب دموکرات کردستان ایران را در برابر توطئه های جریانهای راست و فرصت طلب و خیانتکاری که قصد نابودی حزب و تسلیم در برابر دشمن را داشتند، پیروز گردانید.

تلاش واقع بینانه حزب دموکرات ایران برای اتحاد همه نیروهای مرفقی، انقلابی و آزادخواه، و شرکت فعال حزب در ایجاد شورای ملی مقاومت، مورد توجه و تحسین همه آزادخواهان و انقلابیون واقعی میهن ما می باشد.

به این وسیله، باردیگر همبستگی انقلابی خود را با خلق قهرمان کرد، و رزمندگان آزادخواه و انقلابی حزب دموکرات کردستان ایران اعلام میداریم و به مبارزات مشترک خود برای استقرار دموکراسی در ایران، خودمختاری در کردستان و تضمین منافع زحمتکشان ادامه میدهیم.

شورای متحد چپ برای
دموکراسی و استقلال
آذرماه ۱۳۶۰

شیراز به خوانین قشقائی " (کیهان، ص ۱، شماره ۴/۲/۶۱) و انقضای مدت اولتیماتوم سه ساعته! دادستانی کل انقلاب در روز شنبه، مبنی بر دعوت به تسلیم بی قید و شرط نیروهای عشایر قشقائی، سپاه پاسداران و ارتش دست به حمله هوایی و زمینی شدید و غافلگیرانه ای به عشایر در حال کوچ و چادرهای آنها زدند. دو روز بعد صیاد شیرازی، فرمانده نیروی زمینی کسسه "تصادف" در شیراز به سر می برد اعلام کرد که "دیگر منطقه ای به نام اردوی خان در فارس وجود ندارد". بر طبق اخبار غیر دولتی که از شیراز رسید، درگیری شدید بود، و طرفین متحمل تلفات سنگینی شده اند، لکن برتری قوا و ابتکار عمل در دست مهاجمین پاسدار و لذا نیروهای عشایری مجبور بوده اند با جای گذاشتن کلیه وسائط نقلیه، تجهیزات و حتی خواربار اردو و عقب نشینی کنند. این هجوم و نتایج آن درس عبرت گرانی است برای نیروهای عشایری که تصور می کردند با سیاست پرهیز از درگیری می توانند خود را حفظ نمایند. بعد از شاخ مسات کردن آیت الله شریعتمداری، این هجوم سریع در واقع یسک پیروزی نظامی برای نیروهای فالانژ به حساب می آید. نیروهای قشقائی از جمله آن بخش از مخالفان حکومت به شمار می روند که مدتهاست به امید "روزگار مساعد" در کمین و انتظار به سر می برند و متوجه دینامیزم درونی رژیم فالانژیستی حاکم نمی باشند. این رژیم از قبل خط مشی تشنج، درگیری، هجوم و فتح مداوم مواضع و جایگاههای مخالفین و رقباست که انسجام نسبی خود را حفظ کرده است. شیشه عمر این دستگاه غیر تاریخی درست در تداوم درگیری و اصطکاک، جنگ و خونریزی دست نخورده می ماند و گرنه این رژیم به سبب عدم قابلیت در ساختمان اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی متعادل و محکم و رشد یابنده، قادر به استقرار و ثبات تاریخی نمی باشد. حاکمیت و بقای این رژیم-فالانژیستی مبتنی بر ساختمان دستگاههای سرکوب فاشیستی و گسترش بی سابقه شبکه های ایدئولوژیک می باشد. از این روی روشن که اضطراب در پیش دارد هجوم نظامی و ایدئولوژیک و اختناق به نیروهای اپوزیسیون، مخالفان و دیگر اندیشان و جو عمومی جامعه است. هر بخشی از مخالفین این حکومت که به سیاست صبر و انتظار و یا "چراغ سبز" روی آورد، در واقع برای رژیم فرصتی مختتم بود که در شرایط و اوضاعی که خود انتخاب می کند به حمله بپردازد. افزون بر این، نیروهایی که سیاست انتظار و پرهیز از درگیری را انتخاب کردند، در پی تدارک و سازماندهی و آماده کردن شرایط رزمی نرفتند و این وضع خود مشکل را دوچندان کرد. در واقع "تئوری بقا" عملاً به معنی روش انفعال درآمد و این مصیبت بخشهای گوناگونی از مخالفان رژیم - از جمله نیروهای "خلق مسلحان" و عشایری - را گرفتار کرد. تمسک تئوریک این نیروها به هر حجتی که باشد - خواه انتظار

قیام توده ها را بکشند و خواه منتظر چراغ سبزین الطلی باشند منطق درونی حاکمیت فالانژیسم باعث گردید که رژیم از قوا و موجود ولی منفعل مخالفین سبقت گیرد و در موقع مساعد ضربه کاری وارد آورد. این تجربه تنها به مورد اخیر حمله به قشقائی ها بر نمی گردد، به دفعات تکرار شده و بعد از این هم تکرار خواهد شد. فرصت دادن به رژیم فالانژیستی به معنی از دست دادن امکانات موجود و مورد حمله واقع شدن در شرایط نامساعد تری می باشد. برعکس مقاومت از همان آغاز اختناق فاشیستی و سازماندهی و تدارک رزمی علیه فالانژیسم روشی است که از جانب بخشهای دیگری از اپوزیسیون با موفقیت تجربه شده و نتایج آن نیز هم اکنون - علیرغم شرایط بسیار دشوار حاکم - به مراتب درخشانتر از تجربه انفعال فوق الذکر می باشد. جنبش مقاومت مسلحانه خلق کرد باعث رشد و قوام سازمانهای انقلابی آن و به خصوص حزب دمکرات کردستان ایران گردید و تجربه دیگر از ۳۰ خرداد به بعد سال پیش جریان دارد. به دنبال آغاز هجوم فاشیستی حاکمیت به نیروهای اپوزیسیون در تمام شهرها، دو گرایش عمده در میان اپوزیسیون خود نمائی کرد. یکی گرایش به مقاومت مسلحانه و سازماندهی درگیری (مساله مشی درگیری و انواع آن در اینجا مورد بحث ما نیست) که حامل اصلی و اساسی آن سازمان مجاهدین خلق ایران می باشد و گرایش دیگر که نیروهایی چون راه کارگر، بیکار و اقلیت را در بر می گرفت، یکسره پیرو سایه روشنهای گوناگون از "تئوری بقا" شدند و اکنون سرنوشت هر دو گرایش پیش روی ماست. اولی علیرغم وحشیانه ترین سرکوبها قادر است مبارزه را در سطح گسترده و به صورت فعال و ضربتی ادامه دهد و دومی در پیچ و خمهای دشوار و گاه بن بر بن "پرهیز از درگیری و حفظ نیرو" به تشتت، انشعاب و انفعال محض دچار آمده و ضربات سنگینی نیز خورده است. اصولاً در شرایط رشد نظامی - پلیسی یک رژیم فالانژیستی اتخاذ سیاست انتظار منجر به از هم گسیختگی و انشعاب و تفرقه و بالاخره از هم پاشیدگی و بخشا تسلیم و انهدام می گردد. حفظ نیروها برای سازمانها و جریانهای نسبتاً بزرگ در شرایطی ممکن است که سیاست فعال مقاومت مسلحانه نیز اتخاذ گردد و تدارک سیاسی، نظامی و تشکیلاتی الزامات و ضروریات این سیاست نیز به عمل آید. نیروهای قشقائی از فرصتهای طولانی برای اقدام علیه رژیم و باز کردن یک جبهه جدید مبارزه مسلحانه در فارس هیچگونه بهره ای نبردند و عملاً در وضعیتی که به نفع رژیم بود (بسیج وسیع نیروهای جوان در سپاه و بسیج...) مورد تهاجم سنگینی قرار گرفتند. اگر این حمله اخیر به مردم و نیروهای مسلح عشایری نقطه عطفی در روند سیاسی و مشی مبارزاتی آنها گردد، باز هم امید به تغییر تناسب قوا در منطقه فارس بهبود نخواهد بود و گرنه بدون توهم بایسد گفت که تجربه اخیر تجربه شکستی واقعی برای این بخش از مخالفان

رژیم و مالا به سود رژیم و در جهت تشدید اختناق در منطقه فارس اثر خواهد گذاشت .

* * *

حمله و ضد حمله در تهران

از آغاز هفته دوم این ماه ، در میان محافل انقلابی خبر هجوم قریب الوقوع پاسداران کمیته به خانه ها و مناطق " مشکوک " تهران پخش شده بود . حمله به مرکز چاپ و تدارکات سازمان سپهبد و دستگیری يك جمع سه نفری از رهبران و کادرهای این سازمان (به ادعای مسئولان رژیم) در واقع پیش درآمدی شوم از اخبار مذکور به شمار می رفت . سپس یکرشته حملات بر بر منشانه به " خانه های تیمی " با آرب پی - جی و تیربار و . . . حکایت از ساز طرح گسترده ای مینمود . در اینجا چگونگی واکنش سازمان مجاهدین نقش تعیین کننده ای می یافت . اگر ضربات سازمان به عوامل ، نهاد ها و مراکز گوناگون رژیم شدت می یافت ، طرح گسترده هجومی پاسداران قابل اجرا و ادامه نبود و گرنه پیشروی بلا منازع آنها می توانست برای کلیه نیروها بسیار وخامت بار باشد . اما يك سلسله عملیات ضربتی و موفقیت آمیز واحد های رزمی مجاهدین نقشه رژیم را نقش بر آب کرد . تعداد و ابعاد این حملات در هفته دوم اردیبهشت ماه آنچنان بالا گرفت که پاسداران کمیته ها اضطرارا به تاکتیکهای دفاعی روی آوردند و نیروهای خود را اجبارا به نگهبانی و حراست از مراکز ، نهادها و . . . رژیم و یا تجسس و بازرسی در سر چهارراهها گماشتند . واقعیت این است که در برخی از روزها تهران عملا در وضعیت حکومت نظامی قرار گرفت و ولی با وجود این مجاهدین قادر به انجام موفقیت آمیز عملیات بودند و تمام ادعاهای مسئولین رژیم دایر بر " منفعل شدن و نا امید شدن بقایای منافقین " یکسره بر فنا شد و اخیرا همه مسئولین علنا دستچامه شده و حتی به نصیحت و پند و اندرز ۳ سلا می " روی آورده اند (نگاه کنید به متن خطبه های نماز جمععه املمشی سر فالانژ رژیم) . در اثر این ضد حمله فعال و ضربتی مجاهدین طرح حمله رژیم فعلا ناکام مانده است و این وضعیت دست آورد درخشان تاکتیک رزمی مجاهدین در تهران بود .

تلفات رژیم بسیار زیاد و در مقایسه با تعداد عملیات و کیفیت آنها تلفات مجاهدین از نقطه نظر تعداد زیاد نبوده است . رژیم در این ماه هم از نقطه نظر درگیری صرف و هم از نقطه نظر روانی و تبلیغی شکست فاحشی از مجاهدین خورده است .

* * *

پایان يك توطئه ؟

مرجعیت از آیت الله شریعتمداری توسط عمله مکلا و معمم ولایت فقیه آغاز شده بود ، در نیمه اول این ماه به طرز عجیبی خاموش شد . حجت الاسلام خوئینی ها ، معاون ریاست مجلس و سردسته آخوند های روسو فیل ، طی يك مصاحبه ، مراحل و مسائل ایسن جنجال گوشخراش را جمع بندی کرده و سپس به عنوان حسن ختام از جعبه معروف مارگری خویش - اسناد لانه جاسوسی - مدارکی ارائه داد و نتیجه گرفت که " با مراجعه به اسناد می بینیم کسسه شریعتمداری منشاء همه جریانهای ضد انقلابی شده است " (کیهان ص ۲ ، پنجشنبه ۲/۹) . اینهم یکی از مشخصات شگفت ایسن " انقلاب " است که تصفیه حساب حکام جابریا مخالفین و رقبا از طریق و توسل به مدارک به دست آمده از سفارت " دشمن درجه اول انقلاب " و فقط از همین سفارت انجام می گیرد ! تبلیغات روزمره مربوط به " توطئه کودتا " به دنبال پخش نوار علنا سرهم بندی شده از گفتگوی ری شهری داستان انقلاب ارتش با آقای شریعتمداری که حکایت از " استغفار " ایشان و استدعای کمک از " آیت الله عظمای خمینی " مینمود ، به ناگهان فروکشید و ظاهرا پرونده بسته شد ؟ دیگر بر همه آشکار شده بود که مقصود اولیسه شکستن حریم آیت الله شریعتمداری بوده است . واقعیت قضیه هر طور هم بوده باشد ، يك نکته قابل تامل است و آن روش عجیب و بی سابقه رژیم در برخورد به " توطئه کودتا " بود . قانون کودتا و ضد کودتا در دوره استقرار يك " رژیم انقلابی " همیشه ثابت بوده و مبتنی بر اصل سرعت عمل در حمله و ضد حمله می باشد . در زمان کشف کودتای نوژه نیز دیدیم که رژیم با چه سرعتی توسط همین آقای ری شهری دسته دسته از افسران و افراد متهم به کودتا را پای میز محاکمه کشاند و به سرعت به جوخه های اعدام سپرد . اما اینبار قضیه که به قول خودشان " وسیعترین ابعاد توطئه " را داشت به شکل مسخره ای آغاز و به گونه ای مشکوک انجام یافت ، مهره های اصلی سناریو که به ادعای مسئولین آخوند مهدوی و صادق قطب زاده بودند متهم به اشد جرائم ممکنه شدند و لای تا کنون نه محاکمه شده اند و نه اعدام و کل قضیه هم سیر دیگسری پیچیده . این " متهمین اصلی " در مصاحبه های " خود خواسته " شرکت کرده و هر يك به نوعی پای آیت الله شریعتمداری را به میان کشیدند و بلافاصله نیز جنجال " مرگ بر . . . " در رادیو تلویزیون اجرا شد و تتاثر خلع مرجعیت با آن ترتیب مفتضح به روی پرده آمد . موضوع اصلی هم که ظاهرا " طرح کودتائی از یکسال پیش " بود به زودی به بوته فراموشی سپرده شد . برای " امت آگاه و همیشه در صحنه " هم معلوم نگردید این شیخ مهدوی مهدوی پیشنماز مسجد قلهک تهران چه کسی بود که توانسته بود به طور علنی از مملکت محروسه و محصور اسلام به آلمان و سوریه و عربستان مسافرت کند و تماسهای سیاسی با مقامات مهم و از جمله با برادر شاه خالد

هیاهوی تبلیغاتی که به نام " توطئه کودتا " و در واقع به منظور خلع

گاه با توسل به جبر و سلاح دست یافتنی نمی باشد. در نیمه اول این ماه ساله حجاب بار دیگر همچون کابوسی خوفناک روح و روان جامعه را آکنده از وحشت و نفرت کرد. در سمیناری در خوزستان که توسط " زنان انقلابی " چون عیال مندلی رجائی - رئیس جمهور معدوم حزب الله - اداره می شد، يك سلسله خزعبلات بیمارگونه تحت عنوان " قطعنامه سمینار " به تصویب رسید و بلافاصله هجستوم تبلیغاتی و سرکوب واقعی شروع شد. دادستانی به تاکسیها - اخطار کرد که از دستور قبلی مبنی بر سوار نکردن زنان بی حجاب عدول نکنند و موج بی سابقه ای از شعار و شعار نویسی سراسر سطح خیابانها و دیوارهای شهر تهران و شهرستانها را فسرد گرفت. اکنون شعاری که در وسیعترین ابعاد بر در و دیوار سطح خیابانها نقش بسته " مرگ بر بی حجاب " می باشد. دیگر ساله در حد روسری هم کفایت نمی کند. روپوش و چادر تیره رنگ و سبک کفش و جوراب تیره و ضخیم. . . . تمام این تقاضاهای " اسلامی " در آغاز يك تابستان گرم و در شهری که میلیونها اتومبیل و درب و پنجره آهنی آنرا چون کوره سوزان هفت میلیونی کرده است. در روز چهارشنبه یازدهم اردیبهشت حدود صد نفر زن سیاهپوش چادری در طول خیابان مصدق (ولیعصر کنونی !) به راه افتادند و تحت حمایت ژ - ۳ پاسداران با دادن شعارهایی فالانژیستی تنها میدان بلوار (ولیعصر کنونی) راهپیمایی کردند. فردای آنروز کلیه مطبوعات فرمایشی تصاویر زاویه دار و سرتیترهای درشت چاپ زدند که: " طی يك راهپیمایی گسترده زنان تهران به بی حجاب ها شدیداً اخطار کردند " (کیهان ۱۶/۲/۶۱) و سایر روزنامه ها () طبق نوشته همین روزنامه ها در پایان مراسم شمار داده می شده است: " قسم به خون شهدای بی حجاب، تا انتقام نگیریم آرام نمی نشینیم " ! سادیسم عربیان و جنون جمعی و تعایل بسسه قضاوت از ترکیب این شعار " انقلابی " می بارد. در این جمله وحوش و در متن بسیاری از شعارهایی که این روزها سطح خیابانها و دیوارهای شهر را پوشانده يك خصیصه اصلی رژیم ولایت فقیه آشکار است: در قاموس این حکومت ایدئولوژیک (مکتبی)، انسانها تنها به اعتبار تسلیم محض به ایدئولوژی حاکم و دستورات آن است که انسان شمرده می شوند و لاغیر! در منطق این حکومت حائسی برای حقوق اولیه و عام انسانها در مورد پوشاک، خوراک، محصل سکونت، نوع مراد و روزمره، شادی و طراوت و کسب فیض از زیبائی طبیعت و . . . وجود ندارد، چه رسد به حقوق سیاسی و مدنی. این قوم قشری که از قعر لجن زارهای فرهنگ قرون وسطائی و از بطن يك زندگی سراسر نکبت و ترس و گناه به قدرت سیاسی و حاکمیت دولتی رسیده، بقای خود را در نابودی هر نوع و شکلی از اختیار و آزادی، تفاهم و مدارای اجتماعی و مراد و صلح آمیز انسانها می داند. این جماعت که هیچ توانی برای سازندگی، شکوفائی و

سعودی برقرار کند. آیا خود این شخص مرموز ماموریتی از جانب رژیم داشته و یا اینکه دست يك سرویس جاسوسی در کار بوده که نقش آقای قطب زاده در این ماجرا بسیار کودکانه ترسیم شد. چگونه وی که به هر حال از سازندگان اولیه دستگاهاهی رژیم مسی باشد ندانست که نظامیان دور و برش به مسئولین رژیم رایسورت می دهند؟ و بالاخره چرا جریان محاکمه این حضرات انجام نگرفت و بعد از بخش مصاحبه آقای شریعتمداری غائله ختم شد؟ تمام قرائن حاکی از این است که توطئه در واقع به منظور از میدان به در کردن آیت الله شریعتمداری و اینهم به خاطر پیش بردن طرح خاصی از برای ساله شورای جانشینی امام و زهرچشم گرفتن از آیات عظام در مجموع طرح ریزی شده بوده است. چند روز بعد از خوابیدن جریان تبلیغاتی مربوطه " لایحه دولتی کردن بازرگانی خارجی " نیز به مجلس رفت و بدون کوچکترین اعتراضی از جانب آیات عظام و فقهای که قبلاً مخالف آن بودند، مورد تصویب واقع شد. در این ماجرا، سیاست و قدرت مستقر سیاسی و نظامی حاکمیت بلا منازع خود را در مقابل مراجع مذهبی به ثبوت رساند منتهی اینبار در لباس حجت الاسلام هائی چون رفسنجانی و خامنه ای که خود را جانشینان " رهبر " می دانند و اهرمهای قدرت قاهره را در دست دارند.

* * *

حجاب حربیه اختناق

سه سال پیش اوایل " پیروزی انقلاب " بود که ساله حجاب اجباری مطرح و شخص ولی فقیه از کوخ نشین خود در قم فرمان آنرا صادر کرد. روز بعد هزاران هزار زن آزادیخواه در مخالفت با این فرمان استبداد به خیابانهای تهران ریختند و رژیم که هنوز از ولی فقیه و اعوان و انصارش تشکیل می شد، به هراس افتاده و سریعاً عقب نشینی کردند. در آن زمان اکثریت سازمانها و نیروهای اپوزیسیون این امر را که از حقوق اولیه و اساس انسان به شمار می رود، چون يك " ساله بیروژائی " تلقی کرده و از حمایت جنبش زنان شهروند سرپا زدند، برخی از سازمانهای اپوزیسیون داوطلبانه از میان شعار و وحوش حزب الهی (در آن روزگار هنوز به " امت حزب الله " تغییر نام نداده بودند) که با چوب و چماق فریاد می زدند " یا روسری یا تفسری " روسری اجباری را برگزیدند و نام این عمل را هم " تاکتیک " گذاشتند! اکنون بس از گذشت سه سال از آن روزها و ساخته و پرداخته شدن دستگاهاهی اختناق و فرا رسیدن " حاکمیت حزب الله " دیگر بر هر ابوالبشری روشن شده است که حربیه حجاب از همان آغاز سلاح استبداد و قشربون فاشیست بود و نه رهنمودی برای عفت و اخلاق عمومی. عفت و اخلاق عمومی محصولی از فرهنگ جامعه مدنی است و هیچ

اجهات کاملاً صحیح است. گرچه منظور نویسنده مقاله مزبور در "راستای گسترش انقلاب" و تحقق نظریه مربوط به "اتحاد جماهیر اسلامی" است و "آیت الله" مشکینی و سفیه عالیقدر از مبلغین طسواز اول این آرزوهای دور و درازی باشند، لکن اگر مساله را به این سهل الوصولی که حضرات تصور می کنند نپنداریم، در جمله فوق معنی جدی و احتمالی نیز نهفته است. معنی واقعی کسه از قضا در وضعیت دشوار و پیچیده سیاسی و تراکم گره خورده عناصر متعدد سیاسی - اقتصادی، به شکل يك جنگ فرسایشی بیست ماهه، بالاخره به مرحله عطف و ورق خوردن يك فصل از تاریخ سیاسی این منطقه نزدیک می شود.

قریب سه هفته است که عملیات "الی بیت المقدس" نیروهای خمینی آغاز شده و اکنون جنگ بر سر خرمشهر از هر دیدگاهی که بنگریم به صورت سنبل شکست یا پیروزی برای طرفین خاصه درآمده است. عبور نیروهای خمینی از رود کارون، در حالیکه قوای عراق در ساحل مقابل سنگر گرفته و هیچگونه مانعت جدی به عرصه نیاروندند، سپس عقب نشینی های غیر منتظره نیروهای عراق (که بعداً از جانب هوشمندان چون منتظری نیز توطئه آمیز خوانده شد!) و بالاخره معوق ماندن فتح و آزادی خرمشهر که در آغاز خبر و وعده آن ورد زبان خطبا و وهاظ و مسئولین رژیم بود و سر انجام آشکار شدن فعل و انفعالات سیاسی جدید در میان معالک عربی حوزه خلیج و منطقه تا شمال افریقا، همه اینها حکایت از وضعیت بسیار حساس و حوادث واجد اهمیت می کنند که در منطقه در شرف تکوین می باشند. رژیم خمینی در ابتدای عملیات آنقدر در شوق و التهاات فتح قریب الوقوع می سوخت که ناشیانه تعداد زیادی از "حجت الاسلام" ها و "آیت الله" های رنگارنگ را در اهواز گرد آورده و مترصد بود که به محض آزاد سازی خرمشهر کمیسر های سیاسی - ایدئولوژیک را سوار تانکهای پیروزی نماید و روانه ششهر سازد! اما جنگ علیرغم هزاران هزار کشته هنوز ادامه دارد و در این اثنا تحولاتی در منطقه در گرفته که نشان می دهد هر گردی هم گرد و نیست. عبور آنچنانی از کارون و پیشروی سریع بلا مانع آنها می تواند معنی دیگری هم در بر داشته باشد. از نقطه نظر نظامی پیشگویی نتیجه نهائی نبرد بر سر خرمشهر کار دشواری است و نیازمند اطلاعات دقیق نظامی است، لکن با توجه دقیق به جوانب گوناگون و مواضع سیاسی می توان به واقعیت سیاسی جاری و کنه حوادثی که در منطقه جریان دارند بین برد.

نیروهای خمینی علیرغم بسیج بی سابقه انسانی و اتخان روش "فوج آدم در مقابل آتش" آشکارا به موانع سختی در جبهه خرمشهر برخورد کرده اند. خط مرزی شلمچه که بنا به ادعای رژیم هفتده پیش فتح شده بود، بار دیگر به تصرف قوای عراق درآمده است. خبر گزاریهای گوناگون خبر می دهند که طرفین مشغول تدارک نبرد

صلح و آزادی در خود نمی بینند، به بسیج تمام حال و هیجان توده ها در راه مرگ و نیستی و سوگواری و عزا، یعنی اشتغال همیشگی آخوندهای شیاد و عوامفریب، روی آورده است. خون خواهی و انتقام کشی، قتل و کشتار و تجاوز رایج ترین روش روزمره "دولت و امت حزب الله" در برخورد به کلیه مسائل اجتماعی مردم شده است. بیجهت نیست که هر نیتی را با شعار "مرگ بر..." بیان می کنند و گمان نبریم که مساله حجاب تنها مربوط به زنان شهروند بی حجاب ما می شود. خیر، این مساله جزئی از طرح بزرگ اختناق فراگیر و استبداد همه جاگیری است که تحت عنوان ولایت فقیه مبین یکی از خونخوارترین، عقب مانده ترین و ظلمانی ترین رژیم های ایدئولوژیک (مکتبی) طول تاریخ جهان است. در همین شعارهای مربوط به حجاب نیز می توان دید که چگونه این رجاله های به حکومت رسیده قصد تجاوز دائم به حریم شخصی و عمومی مردم را دارند. بر خیابانهای اصفهان شعار "حجاب مرد ریش است، مرگ بر بی حجاب" نقش بسته است و در تهران چند مورد جسماندن گیره فلزی به یقه باز مردان و رنگ کردن بازوهای عریان پیش آمده است و در ضمن چند ماهی است که تمام مسئولین دولت بدون استثنا ریش گذاشته اند! این نشانه ها حکایت از برنامه اجباری کردن حجاب اسلامی برای مردان نیز می کند. این مسائل بیش از آنکه دلیلی برای مزاح و مسخره باشند عمق فاجعه ای را باز می نمایند که بر ملت و میهن ستم دیده ما واقع شده است: فاجعه فاشیسم مذهبی که از بطن يك تحول عظیم انقلابی زاده شده است مساله متحدالشکل کردن ریخت و قیافه و لباس و چه بسا فرمایشی کردن خنده و شادی و گفت و بود در آینده، اجزائی از يك مجموعه مخوف فاشیستی است که در هیات يك رژیم ایدئولوژیک - مذهبی بر مردم ما حاکم گردیده است و جزء مربوط به حجاب آن در واقع مشتق است نمونه از خروارو برای کسانی که از آغاز برخوردی "تاکتیکی" با این مسائل داشتند فاجعه ای است عبرت انگیز!

امروزه دیگر مشکل حجاب و سایر امور مربوط به حقوق ابتدائی، آنچنان با تار و پود این رژیم سفاک ایدئولوژیک گره خورده که حل آنها جز در سرنگونی این رژیم شدنی نیست و امید است که آن نیروهای رژیم را ساقط کنند که به حقوق طبیعی و مدنی مردان و زنان جامعه اعتقادی عمیق داشته و برای نجات و تعالی جامعه مدنی ایران می رزمند.

* * *

جنگ و سیاست در منطقه

"سرنوشت منطقه این روزها در حال رقم زدن می باشد". ایمن جعله از سزمقاله روزنامه جمهوری اسلامی ۶۱/۲/۲۲ از برخی

آن دیدند؛ "الخير مع الواقعة" نکته ای بود که ایندفعه در کلام آنها نهفته بود. به ناگهان معالک حوزه خلیج و سایر کشورهای عربی به خطر عبور نیروهای خمینی از مرز و تجاوز به خاک عراق حساسیت شدید نشان دادند. عربستان سعودی به نعیندگی از جانب شش کشور یا داشت شدید الحنی به سوریه داد و حمایت یکجانبه از رژیم خمینی را در زمانی که خطر تجاوز به سرزمین عربی وجود دارد مورد انتقاد شدید و تهدید آمیز (از نظر مالی) قرار داد. حسنی مبارک نیز به این خطر اشاره کرد و هشدار داد این واکنش ها به خصوص بعد از سقوط هواپیمای وزیر خارجه الجزایر شدت بیشتری گرفت و اکنون مساله تجاوز احتمالی نیروهای خمینی به عراق طوری در اذهان جهانیان جا افتاده که دیگر از نقطه نظر سیاسی و تبلیغاتی قابل انکار نمی باشد، به خصوص که مسئولین طراز اول رژیم خمینی نیز دست از تکذیب صریح برداشته و برعکس در صدد توجیه "منطقی" آن برآمده اند؛ "اثر از مرزهای خودمان بیرون رویم تنها به خاطر احقاق حقیقت است" (رفسنجانی، دوشنبه ۲۲/۲/۶۱)

به هر حال بر سر این موضوع جنگ روانی شدیدی در کنار نبرد نظامی جریان یافته است و معالک عربی یقیناً در پی ارائه مواضع و طرحهایی به منظور خلع سلاح سیاسی رژیم خمینی و آشکار کردن ماهیت واقعی اهداف آن بر خواهد آمد. در واقع گرایش رژیم خمینی به اعزام نیرو به داخل خاک عراق مساله ای است که دو سال تمام حول آن تبلیغ شدید و بسیج روانی شده است. بیست ماه است که خمینی از فتح کربلا و قدس سخن می گوید و با این دم آتش هیجان حزب الله و جوانان خردسال را شعله ور نگه داشته است. ماههاست بر در و دیوار و صفحات روزنامه ها و پرده تلو یزیون شعار "برای فتح کربلا، پیش به سوی جبهه ها" نقش بسته و در پی هر جنازه ای که از میدان جنگ می آید توجه سرائی می کنند که "جان داده و کربلا ندیده"، و انگهی بارها و بارها رژیم خمینی طرحها و کوششهای عدیده هیاتهای صلح را با قید "مجازات صدام" و "گرامت جنگی" و گاهی "سرنگونی رژیم صدام" مواجه با شکست کرده است و آخرین بار شخص خمینی در نطق یکشنبه اخیر خود کماکان از "سقوط صدام و انشالله حزب بعث" سخن گفت. با این تفصیل وضعیت رژیم تهران حالت پلنگی را دارد که به اشتباهی شکار طعمه خیر برداشته غافل از اینکه "شکار مطلوب در مرداب قرار دارد! البته اکنون که سرزنگاه رسیده اند. ظاهراً متوجه شده اند که چه شکری خورده اند. لکن اینکه دیگر امکان بازگشتی از مواضع قبلی باشد، خود از دشواریهای ایمن شرایط حساس می باشد و مشکلات مختلفی را که در صورت ندیده عقب گرفتن بروز خواهد نمود نباید از نظر دور داشت (دهها هزار خانواده حزب الله فرزندان خردسال و جوان خود را در راه فتح کربلا و قدس از دست داده اند. قضیه به سادگی مساله

های سنگین آینده هستند. در سایر جبهه های جنگ عراق کماکان مواضع قبلی خود را حفظ کرده است. از سوی دیگر يك سلسله حرکتهاي جديد و سياسي در جريمان است. مصر که از مدتها پیش به سبب نزدیکی تاریخ تخلیه صحرای سینا از نیروهای اسرائیل راجع به مسائل منطقه خاور میانه و از جمله جنگ ایران و عراق با حزم و احتیاط تمام موضع می گرفت، اکنون به دنبال ختم عملی مرحله اول قرارداد کمپ دیوید و بساز پس گرفتن صحرای سینا از نیروهای اسرائیل با دست بازو آرزوی فراخ " وارد صحنه سیاسی منطقه شده و آماده است که نقش فعالی در قضایای جاری عهده دار شود. به یاد داشته باشیم که معالک کوچک خلیج فارس از آغاز جنگ در مخصمه آزار دهنده ای گرفتار آمده بودند. آنها به سبب توسعه طلبی ایدئولوژیک و سیاست صدور انقلاب با رژیم خمینی ضدیت داشتند ولی از طرف دیگر در معرض خطر برتری طلبی و سلطه نظامی عراق نیز قرار گرفته بودند. با اینهمه عراق کشوری عربی بود و جنگ ظاهراً حول محور عرب در مقابل عجم در گرفته بود و لذا آنها ناگزیر از نوعی حمایت بودند. تبلیغات توسعه طلبانه و تمایل به ادامه جنگ و نظامی کردن سراسر جامعه ایران و علنی شدن حمایت سوریه و لیبی و کره شمالی (به علاوه حمایت تسلیحاتی پنهان اسرائیل و آفریقای جنوبی از ایران) از رژیم خمینی و تکیه فزاینده این حکومت بر اردوگاه شوروی، دول ساحل جنوبی خلیج و دریای عمان را اضطراباً به سمت حمایت بیشتر از مواضع عراق سوق داده بود. حال آنکه عراق قوی و پیروز مطلوب آنها نبود، کما اینکه خمینسی فاتح نیز کابوس مخوفی مینمود. در این میان جنگ فرسایشی شد و این روند بر وفق مراد این کشورها بود، تا اینکه رژیم خمینسی در اواخر سال گذشته تحت فشار مسائل و مبرمات جامعه و مسائل مربوط به جانشینی و نفت و . . . در صدد پیشروی به هر قیمت و ایجاد جو پیروزی و فتح برای امت در حال انتظار برآمد. ماهیت تبلیغاتی رژیم هم طی دو سال اخیر طوری بود که دیگر نمیشد شعار فتح کربلا و قدس را تکرار کرد، ولی کماکان در شرق کارون درجا زد. تحول در تناسب قوا و اوضاع جنگ امری ضروری شده بود و لذا تاکتیک هجوم پرتلغات از آغاز سال ۶۱ به مرحله اجرا درآمد. به دنبال تغییر در وضعیت جبهه ها امکان حرکات غیر قابل کنترلی از جانب قوای خمینی پدیدار شد و بلا فاصله معالک حوزه خلیج متوجه خطرات و امکانات جدید شدند. رژیم خمینی سرمست از "فتح العین" به رجزخوانی در باره آینسده سیاسی و حکومتی عراق پرداختند و در این بلندپروازیهای ابلهانه تا آنجا پیش رفت که نام عملیات اخیرش را نیز "الی بیت المقدس" گذاشت. رژیمهای عربی مخالف خمینی اینبار با عطف توجه بسه جنگ طلبی و عنان گسیختگی ایدئولوژیک رژیم تهران، در روند عملیات اخیر شانس برای تله گذاری و به دام انداختن سیاسی

آزادی خواهان و انقلابیون
دوستان و طرفداران
شورای متحد چپ برای دموکراسی و استقلال
در تکثیر و پخش هر چه گسترده تر پیام آزادی
ما را یاری دهید.

Postlager-Nr. 076287A آدرس پستی:
5600 WUPPERTAL 1
WEST-GERMANY

R.V.L. حساب بانکی:
STADTSPARKASSE WUPPERTAL
KONTO-Nr. 598573
BLZ: 330 500 00